

مشاوره و علوم تربیتی

اخلاق دانشجویی در اسلام

وظایف دانشجو درباره خویش

فرزانه محمدی - کتابدار

انتخاب رشته، نقطه آغاز

سزاوار است که دانشجو در انتخاب رشته، به شبه اصل «وظیفه»، «استعداد» و «علاقه» توجه کند. اگر این سه در یک رشته گرد آیند، بسی مایه سعادت است. چنانکه دانشجویی به علت نیاز جامعه، پرداختن به دانش پزشکی و وظیفه شرعی او باشد که این رشته را در پیش بگیرد و این رشته قابل دسترسی و مورد علاقه اش نیز باشد.

گاهی شخصی به رشته ای علاقه ندارد ولی موظف به کسب آن است. پیداست وظیفه، تنها هنگامی معنا پیدا می کند که شخص قادر به انجام آن باشد. به قول دانشمندان علم کلام: «الامر بما لایطاق محال؛ خداوند هیچگاه به امر نا شدنی فرمان نمی دهد.

باری وظیفه شرعی بر علاقه، چیرگی دارد. چه خوب است که وظیفه را علاقه همراهی نماید، اما اگر دانشجو صرفاً به

خاطر علاقه، وظیفه خویش را رها کند و در پی علاقه و خواست خود برود، بی تردید راه کژی را در پیش گرفته است. بدقت در این آیه بنگرید:

«ای بسا چیزی را بد می شمارید و حال آنکه به سود شمایست و ای بسا چیزی را خوب و پسندیده می دانید ولی به زیان شمایست.»

با توجه به محتوای زیبای آیه، درمی یابیم که ملاک سنجش، خواست و علاقه شخصی نیست بلکه معیار ارزش، وظیفه است. یکی از عوامل تشکیل دهنده علاقه یا عدم علاقه معرفت و شناخت است. اگر دانشجویی بدون آنکه بدرستی نسبت به یک دانش، شناخت پیدا کند علاقه و یا عدم علاقه خود را واقعی بشمارد، ای بسا پندارش صحیح نباشد و این علاقه و عدم علاقه هم ممکن

است کاذب باشد. مهم‌ترین دلیل ما افرادی هستند که بر اثر عدم توانایی در گزینش رشته‌های دلخواه و یا به هر دلیل دیگر، رشته‌ای را انتخاب کرده‌اند که مورد علاقه آنان نبوده است. بسیاری از این افراد هنگامی که با دلگرمی تمام به کسب دانش در آن رشته پرداخته‌اند، علاقه واقعی خود را یافته‌اند. بنابراین دانشجویان برای تشخیص علاقه واقعی خود باید به تحقیق و بررسی درست پردازند.

دانشجو باید بدون اجبار و پس از سررسی درست و کسب شناخت واقعی نسبت به مسائل هر رشته، رشته مورد علاقه و توان خود را انتخاب کند.

امروزه بسیار سخن از «انقلاب فرهنگی» می‌شنویم، ولی چنانکه شایسته است، جوانان پرشور ما به این بخش روی نیاورده‌اند. هرگاه سخن از علوم انسانی و اسلامی است، ذهن جوانان به سوی شاگردان نامستعد و تنبل می‌رود. حال آنکه این دانشها متکفل پرورش روح انسانها و معرفی شناخت صحیح اسلامی به دیگران است، اما علوم دیگر تنها ضامن رفع احتیاجات مادی انسان است. علوم فرهنگی باید پا به پای علوم تجربی به پیش رود. در اینجا به ذکر چندین پیشنهاد برای اصلاح موقعیت علوم انسانی می‌پردازیم:

۱- باید سطح درآمدها با مقدار ارزش کار، تلاش شخص و دیگر ملاکها سنجیده شود نه آنکه معیار

اصلی تعیین درآمد، نیاز جامعه باشد. امروزه می‌بینیم که حقوق دکترای پزشکی با دکترای غیر پزشکی تفاوت فراوان دارد. پس باید چنان برنامه ریزی شود که جاذبه در آمد اقتصادی باعث جذب جوانان به رشته‌ای خاص و رویگردانی آنان از علوم با اهمیت دیگر نشود. امروزه هر کس تلاش می‌کند با هر وسیله ممکن در رشته پزشکی قبول شود و چه بسا به خاطر سوء انگیزه، تنها به امور مالی می‌اندیشد و غالباً از درمان آکادمیک و علمی بیماران عاجز است و یا در اندیشه آن نیست.

۲- تلاش در جذب افراد مستعد و توانا در رشته‌های انسانی و فرهنگی و جذب اساتید توانا در این رشته و نیز افزایش امکانات و لوازم پیشرفت مراکز علوم اسلامی، انسانی و فرهنگی - این امر از طریق اختصاص بودجه بیشتر در برنامه‌های اقتصادی و بودجه سالانه ممکن است.

۳- بهره جویی از کتب علمی، مطبوعات و رسانه‌های گروهی در شناساندن علوم انسانی به مردم.

۴- امور رفاهی این قشر همسان و یا بیشتر از دیگر اقشار باشد تا هم کمبودهای اقتصادی، آنان را از صحنه بیرون نکند و هم عامل جذب دیگران به سوی این بخش نشود.

کوتاه سخن اینکه دانشجوی در انتخاب رشته نباید تنها به مسائل مادی چشم بدوزد، بلکه باید وظیفه و نیاز اجتماعی، توان و استعداد، علاقه،

امکانات، شرایط خانوادگی و اجتماعی و دیگر عناصر را هم مد نظر قرار دهد.

وقت شناسی

وقت، گوهری گرانبهاست که در گرانی و ارزش، هیچ چیز به پای آن نمی‌رسد. اگر چه مدت عمر انسان در این دنیا محدود و در مقایسه با ابدیت اندک است، اما اگر انسان قدر آن را بشناسد و از لحظه لحظه آن به خوبی استفاده کند، تردیدی نیست که می‌تواند توشه‌ای ابدی را از آن برگیرد.

این بیان اهمیت و ارزشمندی وقت برای همه است، اما برای دانشجو بسی ارزشمندتر. امام صادق علیه السلام فرمود: «از جمله پندهای لقمان حکیم به فرزندش این بود که: فرزند دلبندم! برخی از روزها، سالها و لحظه‌های روزت را به کسب دانش پرداز، زیرا هیچ ضایع کردنی چون تضييع این امر نیست.»^۱

علی علیه السلام فرمود: «مغبون (زیان کار) کسی است که عمر گرانش را به چیزی بخس و بی ارزش بفروشد و مغبوط و نیک فرجام کسی است که عمرش را در فرمانبری از خداوندش سپری کند.»^۲

امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «مغبون کسی است که به دنیا سرگرم شود و سودهای اخروی از

(۱) امالی طوسی، ص ۶۶

(۲) غررالحکم، ج ۲، ص ۵۲۵

رسول خدا ﷺ فرمود: چه بسیارند کسانی که روز خود را به پایان نمی‌برند و چه بسیارند کسانی که منتظر فردایی هستند که هیچگاه بدان نمی‌رسند.^{۱۱}

و علی ﷺ فرموده است: «آنکه مراقب اجل خود باشد، فرصتها را غنیمت شمارد.»^{۱۱}

۲- بازی و سرگرمی

در اسلام یکی از عوامل ضایع کردن وقت، لهو و لعب و پرداختن به امور بی‌فایده است.

حضرت علی ﷺ فرمود: «بازی بدترین چیزی است که عمر را ضایع می‌کند.»^{۱۲} و «عمر خود را در لهویات و بازیها مگذران تا در آخرت امیدت قطع نگردد.»^{۱۳}

۳- اشتغال به کارهای غیر مهم

انسان و بویژه دانشجو باید در

یک پیر بر عمر از دست رفته‌اش باشد. علی ﷺ می‌فرماید: سخت‌ترین غصه‌ها از دست رفتن فرصتهاست.^۵

و نیز فرموده است: «فرصتها چون ابر می‌گذرند، بکوش که در راه خیر از آنها بهره‌گیری و گرنه، پشیمان می‌شود»^۶

در جای دیگر، انسان، فرزند زمان دانسته شده است.^۷ دانشجوی عزیز! هر نفسی که می‌کشی دمی از عمر تو می‌گذرد و یا به عبارت بهتر قدمی به جانب مرگ نزدیک می‌شوی.^۸

از پیامبر ﷺ درباره عمر پرسیدند، فرمود:

در روز قیامت، بنده قدم از قدم بر نمی‌دارد مگر آنکه از وی می‌پرسند عمرش را در چه اموری صرف کرده، جوانی را در چه چیز به پیری رسانده، مالش را در کجا صرف نموده و امام و رهبرش چه کسی بوده است؟^۹

برخی از علل هدر دادن و تباه کردن وقت، عبارت است از:

۱- غفلت از مرگ

کسی که از مرگ غافل است و خبر ندارد که ضمانتی در زنده ماندن او نیست، همیشه فردا فردا می‌کند و همه کارها را به آینده موکول می‌نماید. این امر باعث می‌شود که قدر و قیمت وقت را نشناسد و در آینده - اگر زنده باشد - حسرت جانکاه تضييع آن را بچشد. البته ممکن است که مرگ چنین شخصی زود برسد و میان او و خواسته‌ها و آرزوهایش برای همیشه فاصله بیندازد.

کف او بیرون گردد.»^۱

دانشجو باید پیش از آنکه حایز مقام و منصبی والا گردد و قبل از آنکه به علم و فضل مشهور شود، از فرصتهای دوران جوانی برای تحصیل علم، به خوبی بهره جوید زیرا به محض آنکه انسان دارای مقام و منزلتی در جامعه شود و به علم و دانش نامور گردد، نه تنها این امر، میان این شخص و درک کمالات معنوی و علمی او، بزرگ‌ترین مانع و فاصله را ایجاد می‌کند، بلکه چنین وضعی، عاملی پرتوان و انگیزه‌ای نیرومند و کامل خواهد بود که نقصان و رکود علمی و اختلال را در چنین فردی به بار می‌آورد.^۲

ناگفته نماند، کسب دانش وقت خاصی ندارد و حتی در پیری هم نباید از طلب علم باز ماند، امیر مؤمنان علی ﷺ می‌فرماید: «طلب دانش از کوچکی، چون نقش بر سنگ است.»^۳

از این رو، جوانان به خاطر آمادگی پذیرش و شور و استعداد شگفت خود، باید پیش از هر کس دیگر قدر وقت را بدانند و از این دوران عزیز به خوبی بهره ببرند. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: هر شب فرشته‌ای از ساحت قدس الهی فرو می‌آید و ندا سر می‌دهد که: ای جوانان بیست ساله، تلاش و کوشش کنید.»^۴

ناگفته پیداست که مقصود حدیث، تنها افراد بیست ساله نیست، بلکه منظور، تمام جوانان است. گمان نمی‌رود حسرتی جانکاه تر از حسرت

(۱) امالی مفید، ص ۱۱۷، مجلس ۲۳

(۲) آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص ۱۳۲۴

منیه‌المريد، ص ۲۲۵

(۳) بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۴

(۴) مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۷

(۵) غررالحکم، ج ۲، ص ۴۴۱

(۶) همان منبع، ص ۵۷۳

(۷) همان منبع، ج ۱، ص ۱۲۲

(۸) همان منبع، ج ۶، ص ۱۷۰

(۹) تحف العقول، ص ۵۶

(۱۰) امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۳۹

(۱۱) غررالحکم، ج ۵، ص ۲۹۵

(۱۲) همان منبع، ج ۴، ص ۱۷۴

(۱۳) همان منبع، ج ۶، ص ۳۱۴

انجام کارها اولویت را رعایت کند. از طرفی در این دنیا آنقدر کار مهم و اساسی هست که انسان به کارهای کم فایده نپردازد. مثلاً در زمان تحصیل کتابهای مهم، بسیار است و دانشجو نباید وقت خود را صرف کتابهای کم محتوا کند. علی (علیه السلام) فرموده است: «هر که به کار غیر مهم بپردازد، از کار مهمتر باز می ماند.»^۱

۴- بسی نظمی و عدم توجه به استعداد

دانشجو باید برای تمام کارهای علمی و غیر علمی خود، برنامه ریزی کند. گاه کسی از استعداد و توانایی و علاقه و... برخوردار است اما به خاطر نداشتن برنامه در زندگی، هیچگاه موفق نمی شود.

«استعداد» نیز امر مهمی است. دانشجو باید با توجه به استعداد و توانایی خود کاری را انجام دهد. گاه دانشجویی وقت گران خود را بر روی یک رشته، یک کتاب و... صرف می کند اما به خاطر ناهمگونی استعداد، از عهده آن بر نمی آید و عمرش را ضایع می گرداند.

۵- مراقبت از جسم و جان

اگر دانشجویی در خوردن و خوابیدن، بر خورد با دیگران و هر رفتار شخصی دیگر، موازن درست و متعادل را رعایت نکند، دچار نارسایی روحی یا جسمی می گردد. مثلاً اگر پرخوری کند یا غذای ناسالم بخورد، بیمار می شود و باید وقت زیادی را صرف دارو و درمان کند و ای بسا از

درس خود باز می ماند. اگر به روان خود نیز اهمیت ندهد، همین گونه در سختی می افتد.

دانشجو باید بداند چه وقت درس بخواند و مطالعه کند؟ چه وقت استراحت کند و یا بخوابد؟ چه وقت غذا بخورد؟ چه وقت از استاد پرسد؟ چه وقت تشکیل خانواده بدهد؟ و چه وقت... این امور و دهها امور دیگر را باید به موقع انجام دهد تا هیچ فرصتی از دست نرود.^۲

رفتارهای شخصی دانشجو:

رابطه تقابلی رفتارهای انسان، انکارناپذیر است. تنها هنگامی یک فرد و بویژه یک دانشجو در کار خود موفق می شود که هر بخشی از زندگی او با بخشهای دیگر هماهنگ باشد. مثلاً اگر طالب علم، در خوردن، نکته های بهداشتی تغذیه را از نظر دور دارد، این امر در خواب و سلامتی و در نتیجه در درس و بحثش اثر می گذارد. پس او باید رفتارهای شخصی خود را دقیقاً برنامه ریزی کرده، در همه حال عواقب و خیم ضربه به تحصیل را در اثر بی برنامه گی و رفتارهای ناهنجار در نظر بیاورد.

چکیده سخن ما در دو بخش است.

۱- بهداشت روح و روان

۲- بهداشت جسم

دانشجو باید بداند اگر به بهداشت روحی و روانی و نیز بهداشت جسمی او اندک لطمه ای وارد آید خیلی زود اثر و انعکاس آن به درس می رسد و از

ادامه تحصیل باز می ماند. در اینجا ابتدا درباره، بهداشت روانی و سپس درباره بهداشت جسمی، قدری سخن می گویم.

روح و روان انسان، همانند بدن به چیزهایی نیاز دارد. دانشجو تنها با روانی سالم، آسوده و آرام و با طراوت قادر به تحصیل است. از این رو باید از هر گونه عملی که سلامت روانی او را تهدید می کند، بپرهیزد. رفتارهای ناهنجار روانی غالباً بر اثر عدم رعایت احکام اسلامی پدید می آید. اگر عواطف انسانی مهار نشوند، بهداشت روانی به خطر می افتد. در دعای هشتم صحیفه سجادیه می خوانیم:

«پروردگارا! پناه می برم به تو از هیجان حرص و شدت خشم و تسلط غضب و کمی صبر و پیروی از هوای نفس یا تمایلات.»

این صفتها و دیگر عواطف، در روان انسان اثر بسزا دارند. البته به عقیده نگارنده، مهم ترین عامل بهداشت روان، تصحیح اعتقاد و انگیزه تحصیل است. اگر دانشجو انگیزه مادی نداشته باشد و هدف او از کسب دانش، تنها جلب خشنودی خداوند و نیز خدمت به خلق او باشد، همیشه آرام است و این آرامش، زائیده اعتقاد صحیح و ذکر خداست.

دانشجویی که به نیازهای روحی

(۱) همان منبع، ج ۴، ص ۱۷۴

(۲) ر. ک: مطلبی - سید حسین: گوهر وقت، مرکز

چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات، چاپ اول

خود و فضایل اخلاقی مطابق با فطرت آدمی پساخ ندهد و در مسیر خودسازی نباشد به خاطر بی‌ایمانی و بی‌اعتقادی همواره در هیجان و اضطراب و تشویش است. در مقابل، توکل بر خدا و ایمان به او از مهم‌ترین عناصر آرام‌بخش روان به شمار می‌روند.

اعتقاد به خدا باعث می‌شود دانشجو از صفات رذیله چون: حسد، حرص و طمع، غیبت، سخن‌چینی، بدگویی، شهوت‌مداری، پرخوری، پر خوابی، پرخوری و... که مهم‌ترین عوامل عدم تعادل روانی شمرده می‌شوند، بپرهیزد.

افرادی که به احکام اسلام پایبند هستند، غالباً دچار بیماری‌های عصبی و روانی نمی‌شوند چرا که «با یاد خدا دلها آرام می‌گیرد»^۱

در چند جای قرآن کریم، سخن از شرح صدر رفته است. کسی که بر اثر ایمان به خدا، فراخ‌سینه شود، همه چیز را زیبا می‌بیند، به همه چیز مهر می‌ورزد، همه را دوست دارد، زیرا آنها را آفریدگان خدا می‌بیند.

بهداشت جسمی نیز اگر چه به درجه اهمیت سلامت روان نمی‌رسد، لیکن خود، عامل اساسی و یکی از عوامل بهداشت روانی است. گفته‌اند: عقل سالم در بدن سالم است.

این عبارت که مضمون یک روایت است، سخن بجا و استواری است، زیرا کسی که تنی سالم نداشته باشد، نمی‌تواند از حقوق خود و دیگران دفاع کند و حقوق الهی را ادا کند. چنین شخصی قادر به تحصیل دانش و پرورش عقلی نیز نخواهد بود.

اسلام بیش از هر مکتب دیگر به

مسأله بهداشت اهمیت می‌دهد، با این تفاوت که در دین اسلام همه چیز بر پایه پیشگیری بنیان نهاده شده ولی در مکاتب جدید همه چیز بر پایه درمان است. اسلام معتقد است که شخص باید از خوردن شراب، گوشت خوک و... پرهیز کند. ولی دیگران خود را در این مهلکه می‌اندازند آنگاه در اندیشه درمان می‌افتند.

دانشجو باید برای آنکه تنی سالم داشته باشد و بیماری، میان او و درس فاصله نشود، احکام شخصی اسلام را به دقت فراگیرد و عملی سازد. ما از میان رفتارهای شخصی دانشجو که در بهداشت تن او نقش اساسی دارد، به خواب و خوراک اشاره می‌کنیم:

۱- دانشجو باید در غذای خود به دقت بنگرد، بکوشد که در بهداشت تغذیه چند امر را رعایت کند:

- از پرخوری بپرهیزد. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: نزد خداوند هیچ چیز مبعوض‌تر از شکم پُر نیست.^۲

مهم‌ترین نتیجه پرخوری، تهدید سلامت جسمی و روانی است. این امر باعث می‌شود قوه درک شخص بخوبی فعالیت نکند. لقمان حکیم درباره تأثیر پرخوری بر عقل و هوش به فرزندش چنین سفارش می‌کند: «فرزندم اگر شکم انسان پر شود، اندیشه‌اش می‌خوابد»^۳

پس اگر دانشجو بخواهد درس را نیک بفهمد باید از پرخوری بشدت پرهیز کند.

- دانشجو باید زمان خوردن را به درستی بشناسد و برای لذت، غذا نخورد بلکه برای تقویت جسم بخورد و بیاشامد. به تعبیر قرآن کریم:

«كسلوا من الطيبات واعملوا صالحاً»؟ از غذاهای حلال بخورید و عمل صالح انجام دهید!

هنگامی که به آیات و روایات می‌نگریم، در می‌یابیم که بهترین زمان غذا خوردن، صبح و شام است. گویا سه وعده غذا خوردن، خیلی سودمند نیست، زیرا هنگام صبح، بدن بر اثر خواب، غذای مصرفی را هضم کرده و اینک که آغاز روز است، نیاز به تجدید قوا دارد تا به فعالیت بپردازد. از این لحاظ صبحانه در سلامت جسم نقش مهمی دارد و هنگام عصر هم، بدن بر اثر کار زیاد و تلاش روزانه و مصرف انرژی، غذای خود را مصرف کرده و اینک نیاز به غذا و مواد غذایی دارد.

شخصی از دردها و نارسایبهای شکمی به امام صادق علیه السلام شکایت نمود. امام به او فرمود: «تنها صبح و شام غذا بخور و بین آن دو وعده، چیز دیگری نخور که باعث بیماری می‌شود. نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: روزی آنان در آنجا، صبح و شام عرضه می‌شود»^۴

- آداب غذا خوردن را رعایت کند. پیش از غذا، دست خود را بشوید و اگر می‌تواند وضو بگیرد، در آغاز غذا

(۱) رعد، آیه ۲۸

(۲) الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹

(۳) المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۱۵۱

(۴) مؤمنون، آیه ۵۱

(۵) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸؛ (سوره مریم، آیه ۶۲

برای توضیحات بیشتر درباره آداب غذا خوردن و بزرگ: فروع کافی، ج ۶ و کتاب «الاطعمه و المحجة البيضاء» ج ۳ و کتاب الاکل، ج ۵، باب شکستن شهوت فرج و شکم

ذکر خدا بگوید، بر زمین بنشیند و با دست راست بخورد، لقمه‌های کوچک بردارد، تا گرسنه نشده غذا نخورد و پیش از آنکه سیر شود، دست از غذا خوردن بکشد.
- بکوشد به کیفیت غذا بیندیشد نه کمیت آن، از این رو سعی کند از غذاهای سنگین، پرچربی و گوشت‌های قرمز کمتر مصرف کند، زیرا غذای سنگین مانع درک صحیح دانش

می‌گردد و قدرت حافظه را بشدت ضعیف می‌گرداند.^۱
۲- طالب دانش باید خواب خود را متعادل گرداند و آداب اسلامی خواب را به درستی انجام دهد. البته نباید بدون ممارست، آنقدر از خواب خود بکاهد که قوای بدن او تعادل خود را از دست دهند و این امر مانع کسب دانش و درک صحیح او گردد. ولی بکوشد که به حد نیاز اکتفا کند. پیش از خوابیدن،

مسواک بزند، وضو بگیرد، با ذکر خدا به بستر برود و از شب زنده داری غفلت نرزد. دانشجو باید بداند که کثرت خواب، باعث سنگدلی، کند هوشی و بیماری جسم می‌شود.

(۱) در این باره احادیث فراوانی به ما رسیده است برای اطلاع بیشتر به منابع پیشین مراجعه کنید.

ادامه از صفحه ۱۱

به وسیله غیبت از خطر قتل نجات می‌یابد.^۱
زراره گوید: حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: قائم باید غایب شود. عرض کردم: چرا؟ فرمود: از کشته شدن می‌ترسد.^۲

چرا امام زمان (عج) ظهور نمی‌کنند با اینکه ظلم و فساد عالم را فرا گرفته است؟

برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهانی، تنها وجود یک رهبر شایسته کافی نیست بلکه آمادگی عمومی لازم است و متأسفانه هنوز

دنیا آماده پذیرش چنان حکومتی نشده است. به علاوه مردم باید به قدر کافی تلخیها و بی عدالتیها و ضعف قواین را لمس کنند. مردم باید احساس کنند که بحرانهای کنونی، زاینده نظامهای کنونی است و این نظامها از حل بحرانها سرانجام عاجزند. مردم باید تشنه شوند چرا که تا تشنه نشوند، سراغ چشمه آب نمی‌روند. از سوی دیگر گرد آوردن تمام مردم جهان در زیر یک پرچم گسترده، به تعلیم و تربیت و رشد فرهنگی بالا و نیز به تکامل صنعتی نیاز دارد.

امام منتظر (عج) نیز همچون منتظران خود در انتظار است. ما در انتظار مقدم اویم و او در انتظار صدور حکم ظهور از جانب حق تعالی.

«اللهم اجعلنا من انصاره و اعوانه»

(۱) انبات الهداة، ج ۶، ص ۴۳۱

(۲) علت ترس آن حضرت این است که کشته شدن ایشان به صلاح جامعه و دین نیست زیرا هر یک از امامان (علیهم السلام) پس از شهادت جانشینی داشتند اما امام زمان (عج) جانشینی ندارند و در این صورت زمین خالی از حجت می‌ماند.

منابع

- (۱) لباف - علی: الفبای محبت امام عصر، تهران، بدر، ۱۳۷۴، چاپ اول
- (۲) حکیمی - محمدرضا: خورشید مغرب، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰
- (۳) سعید - حسن: خدا و مهدی، تهران، نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۴، چاپ چهارم
- (۴) امینی - ابراهیم: دادگستر جهان، قم، شفق، ۱۳۶۷، چاپ دهم
- (۵) جمعی از نویسندگان: معارف اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها
- (۶) مکارم شیرازی - ناصر: مهدی انقلابی بزرگ: قم، هدف، ۱۳۶۷، چاپ دهم
- (۷) دوانی - علی: مهدی موعود، (جلد سیزدهم، بحارالانوار، مجلسی)